

آسیب شناسی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

علیرضا افشاری*

چکیده

با توجه به گذشت چهل سال از عمر با برکت انقلاب اسلامی، این حرکت و نهضت اسلامی در عرصه‌های گوناگونی با چالش مواجه بوده است. در چهل سال رشد نهال انقلاب اسلامی شاهد مشکلات و موانعی در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی بودیم لکن این چالش‌ها در عرصه فرهنگی بسیار سهمگین می‌نمود. همه این موانع با وجود دشمنی‌ها، شیخون و تهاجم‌های فرهنگی دشمن نظام اسلامی چند برابر شده و مقوله فرهنگ را اهمیت فراوانی داده است. از آن جایی که فرهنگ ستون فقرات، و نخ تسبیح انقلاب اسلامی است، شکستن این ستون فقرات، به در هم شکستن انقلاب و اسلام منجر می‌گردد. در این اثر ضمن بهره‌مندی از کتب موجود در عرصه آسیب شناختی فرهنگ با نگاهی بر نهادهای اجتماعی متولد شده در دامن انقلاب اسلامی که توانسته‌اند در کنار نهادهای حکومتی بار مسئولیت این دفاع فرهنگی را بر دوش بکشند، تلاش شده تا با بهره‌گیری از نظرات نخبگان فکری و اجرایی فرهنگی انقلاب اسلامی آسیب‌های محوری، کلان و خرد شناسایی شود. روش جمع آوری نظرات نخبگان بصورت مصاحبه بوده و به روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم افزار maxqda نظرات مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در نتایج این تحقیق ضمن لیست آسیب‌های مطرح شده توسط نخبگان مشخص شده جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در سطح خرد از عدم وجود کار تشکیلاتی منسجم و در سطح کلان از عدم وجود نظریه پشتیبان فرهنگی رنج می‌برد. آسیب محوری که مورد اذعان غالب نخبگان بوده است عدم وجود نهاد تربیت مومن فرهنگی است. عدم یا نقصان تخصص و نیز معرفت برگرفته از معارف ناب اسلامی در میان عوامل فعال در این عرصه است و از راهکارهای اساسی بوجود آوردن نهادهای جهت آموزش، تربیت و پرورش نیروی مومن فرهنگی است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، آسیب شناسی، جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، نیروی مومن فرهنگی.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

با توجه به گذشت چهل سال از عمر با برکت انقلاب اسلامی، این حرکت و نهضت اسلامی در عرصه‌های گوناگونی با چالش مواجه بوده است. در چهل سال رشد نهال انقلاب اسلامی شاهد مشکلات و موانعی در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی بودیم لکن این چالش‌ها در عرصه فرهنگی بسیار سهمگین می‌نمود و از طرفی بدلیل اولیت، و اهمیت بسیار زیاد عرصه فرهنگی، شاهد بحرانی شدن وضعیت فرهنگی کشور هستیم.

وجود انواع آسیب‌ها و سایش‌های توان‌کاه و هزینه‌بر، امروزه بیش از پیش در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، به چشم می‌آیند. اکنون پس از سال‌ها فعالیت نیروهای انقلابی در حوزه‌های فرهنگی، لازم و ضروری است تا مجموعه‌ای جامع از این آسیب‌ها و ابتلائات که موجبات پایین آمدن بهره‌وری جبهه فرهنگی شده است، تهیه گردد. این مجموعه آسیب‌ها، از طرفی موجب تأمل برآیند جبهه و خیزش ایشان برای رفع آن سایش و آسیب خواهد شد و نیز از طرف دیگر برای نیروهای تازه نفس و تازه‌کار به عنوان تجربیات نسل قبلی مورد تفکر و بررسی قرار گیرد. با بدست آوردن مجموعه‌ای از آسیب‌ها و سایش‌هایی که جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کند و باعث پایین آمدن و افت محسوس و موثر بهره‌وری در جبهه شده است، می‌توان در آینده ضمن احتراز از خطر مواجهه با این آسیب‌ها توسط مجموعه‌های فرهنگی، موجبات و راهکارهای حل و دفع این آسیب‌ها را نیز سنجید و به کار بست. در نهایت این اثر در صدد آن است که بتواند با تحلیل آسیب‌شناختی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و دسته‌بندی آن آسیب‌ها، گامی در جهت احصاء مشکلات و آسیب‌های مجموعه‌های فرهنگی برداشته تا در ادامه در سایه راهکارهایی و ارائه مدل‌های موفق اجرایی توانسته باشد گام ابتدایی را بردارد. روش تحقیق در این

مقاله، تحلیل مضمون بوده که از مصاحبه با نخبگان منتخب بدست آمده است. لیست اسامی مصاحبه شوندگان به شرح ذیل می باشد:

۱- دکتر حسن عباسی (سخنران و تحلیل گر مسائل سیاسی و نظامی اهل ایران و رئیس اندیشکده یقین)

۲- دکتر حسن بنیانیان (رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی)

۳- حجت الاسلام و المسلمین داود صالحی (رئیس موسسه طلایه داران نورآفاق و جزو موسین طرح راهیان نور کشور)

۴- حجت الاسلام و المسلمین حاج ابوالقاسم دولابی (ازفعالان چهره های رسانه ای قرآنی و سیاسی عضو مجلس خبرگان)

۵- جناب آقای حاج حسین یکتا (عضو شورای مرکزی قرارگاه عمار)

۶- جناب آقای استاد محمد شجاعی (رئیس موسسه منتظران منجی)

۷- حجت الاسلام و المسلمین پیروز مند (عضو هیئت علمی و قائم مقام دفتر فرهنگستان علوم اسلامی)

۸- حجت الاسلام و المسلمین رسایی (مدیر کل اسبق ارشاد اسلامی استان قم و نماینده مجلس شورای اسلامی)

۹- جناب آقای اصغر طاهرزاده (استاد حوزه و دانشگاه)

۱۰- جناب آقای وحید یامین پور (پژوهشگر حوزه هنر اسلامی، رئیس پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی)

از جمله تمایز این اثر با آثار دیگر این است که رویکرد آثار دیگر رویکردی تجزیه ای است، کشف انبوهی از آسیب ها و احتمالاً ارائه راهکارهایی برای برخی یا

همه آن آسیب‌ها و مخاطب با انبوهی از مسائل موجه می‌شود. این اثر با رویکرد ترکیبی و نگاه کلان‌نگرانه، درصدد ارائه راهکار محوری بنا به آن آسیب‌های محوری کشف شده در مصاحبه‌هاست و در نتیجه عبور از کثرات می‌باشد. و نیز در این اثر از روش تحلیل مضمون سعی شده با استفاده از اندوخته مصاحبه‌شوندگان که در طی این سالیان متمادی کسب نموده‌اند آسیب‌ها را دسته‌بندی نموده و آسیب‌های محوری که باید تمرکزی بیشتری بدان‌ها شود را کشف کرد و همچنین این اثر سعی دارد برای آن آسیب محوری راهکاری اساسی ارائه دهد.

مبانی نظری

مفهوم انقلاب همچون برخی از مفاهیم علوم اجتماعی دارای تعریف مشخص که جامع و نیز مانع باشد نیست و در این میان اندیشمندان تعاریف گوناگونی از آن را ارائه داده‌اند. برخی معتقدند که قبل از اندیشه سیاسی هگل انقلاب دارای بار معنایی منفی بوده ولی پس از آن با تغییر جنبه‌های مختلف به معنای مثبتی تحول یافته است. انقلاب در فرهنگ‌های مختلف و نیز در میان اندیشمندان گوناگون دارای معانی مختلف است بطوری که گاهی معنای این واژه به اندازه‌ای توسعه می‌شود که هر حرکت کوچک اجتماعی را نیز برمی‌گیرد و در برخی از موارد به اندازه‌ای ضیق می‌گردد که حتی انقلاب‌های بزرگ هم در آن نمی‌گنجد. در ادامه تعاریفی از انقلاب در اندیشه متفکران می‌آید:

آرتور باوئر: انقلاب عبارت است از تلاش‌های موفق و ناموفق که به منظور ایجاد تغییراتی در ساخت جامعه از طریق اعمال خشونت انجام می‌گیرد. (چالمرز جانسون، ۱۳۶۳، ص ۱۷)

چالمرز جانسون معتقد است که انقلاب خشونتی معطوف به اهدافی همچون تغییر حکومت، رژیم یا جامعه است. (چالمرز جانسون، ۱۳۶۳، ص ۱۷)

هانتینگتون نیز بر این نظر است که انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادی و خشونت آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط بر جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و فعالیت و سیاست‌های حکومتی است. (ساموئل هانتینگتون، ۱۳۹۷، ص ۳۸۵)

از اندیشمندان اسلامی نظیر شهید مطهری بر این نظرند که انقلاب به حسب لغت به معنی زیور و روشن شدن یا پشت و روشن شدن و نظیر این معانی است. قرآن مجید هم این کلمه را هر جا به کار برده به همین مفهوم به کار برده است نه به مفهوم اصطلاحی رایج آن در امروز. انقلاب به معنایی که در جامعه شناسی مطرح است همان دگرگون شدن است، حتی نباید بگوییم دگرگون شدن، زیرا دگرگون شدن یعنی اینکه گونه و کیفیتش جور دیگر شود. در عوض باید بگوییم دگرگون شدن یعنی تبدیل شدن به موجود دیگر. انقلاب عبارت است از یک عصیان و یک طغیان در یک جامعه علیه نظم حاکم مسلط بر جامعه. (مرتضی مطهری، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵)

و در آخر نظر استاد مصباح نیز اینگونه است که کلمه انقلاب در پهنه علوم انسانی و اجتماعی به دو معنا استعمال می‌شود: یکی به معنای تحول سریع، شدید و بنیادی - ای که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع احوال سیاسی جامعه روی می‌دهد و در نتیجه، یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی جای خود را به نظام دیگری می‌دهد و دیگری به معنای تحول شدید و ریشه‌ای و غیرسیاسی‌ای که به کندی و بدون خشونت صورت می‌گیرد، مانند انقلاب علمی، انقلاب صنعتی، انقلاب فرهنگی، انقلاب ادبی و انقلاب هنری. وجه مشترک دو معنای لفظ انقلاب همان تحول شدید، اساسی و کلی است. (محمد تقی مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۶۹)

یافته‌های تحقیق

با جمع آوری و کدگذاری چند باره نظرات نخبگان در نرم افزار Maxqda در نهایت می‌توان در تکمیل فرآیند تحلیل مضمون به جمع بندی ذیل رسید.

با بررسی نکات بیان شده در مجموع نظرات نخبگان می‌توان، بحث نبود یک جبهه واحد و کار تشکیلاتی منسجم را بعنوان آسیب خرد که در مطالب بالا بدان اشاره شد بیان نمود که این مضمون می‌تواند در بردارنده آسیب‌های خرد زیادی که نخبگان بدان اشاره داشتند باشد و گویای مسائل و مشکلات خرد مجموعه‌های فرهنگی در سطح کشور باشد که باید در مرحله بعدی برای این آسیب، فکری عاجل نمود تا بتوان مجموعه‌های فرهنگی کشور را در یک نقشه مشخص و بهم پیوسته جا داد و برای هر کدام جایی را مشخص نمود تا در عین استقلال کاری خود جبهه به هم پیوسته و منسجم فرهنگی کشور را تکمیل نماید و باعث هم افزایی مجموعه گردد و همچنین بتواند خدمات فرهنگی ارائه نماید و همچنین از سایر خدمات جبهه نیز در راستای رشد و توسعه خود به کار گیرد

وجود این آسیب، یعنی اینکه هنوز ما نتوانسته‌ایم جبهه واحدی در این کارزار فرهنگی ایجاد کنیم البته در این مقاله باید این نکته را مد نظر قرار داد که جبهه فرهنگی لایه‌های مختلفی دارد و عرصه‌های گوناگونی را باید برای آن متصور بود و تحت یک مدل و الگوی واحد بتوان آن را شکل داد. و در کنار نظریه پردازی برای این موضوع و اقدام طبق آن نظریه‌ها و مجدداً بازگشت به نظریه‌ها سعی در رفع مشکلات و نواقص آن برآمد به عبارت دیگر جبهه در رفت آمد بین علم و عمل بوجود خواهد آمد و فقط علم صرف و عمل صرف نمی‌تواند ما را به هدف نهایی برساند و حتماً باید اینکار در رفت و آمد بین علم و عمل شکل گیرد. «یک عملیات بلافاصله پیروزی یا شکست انجام میشه یک گروهی میرن دلایل پیروزی و شکست رو ارزیابی می‌کنند و نگه می‌دارند که برای فعالیت‌های بعدی استفاده کنند و یا بهره ببرند. اما تو فعالیت‌های فرهنگی هنوز به این درجه ظرفیت و توانمندی نرسیدیم.» (بنیانیان) و یک نهال همواره در حال رشد و شکوفایی می‌باشد که همواره در حال تکمیل خود و رفع نواقص خود است. در ذیل این آسیب که همان نبود جبهه واحد با فرماندهی واحد

است مسائل جزیره ای عمل کردن و اقدامات سطحی و پراکنده انجام دادن، عدم هم افزایی نیروهای محرکه موجود در جبهه، ناهماهنگی های فرسایشی، هدر رفت بودجه های مربوط به بخش فرهنگ و عدم تخصیص بودجه بخش فرهنگ، عدم استفاده بهینه از ابزارهای فرهنگی، عدم بهره مندی از نیروهای مردمی، عدم ارتباط و تعامل درست با عموم مردم، تکثر فعالان فرهنگی منتج به کم اثر کردن اقدامات فرهنگی و... رخ می نماید.

با بررسی نظرات نخبگان می توان دسته دیگر از آسیب ها را مشاهده نمود که از اهمیت بالاتری برخوردار هستند به عبارت دیگر در مرحله اول بایستی این آسیب را برطرف نمود تا بتوان آسیب های سطح خرد را پوشش داد و نواقص را برطرف کرد. در بیان یکی از نخبگان آمده «در بحث فرهنگ شناسی وقتی ما به صورت تخصصی راجع به فرهنگ می خواهیم حرف بزنیم و بحث کنیم و نظریه فرهنگی بدهیم لنگ می زنیم. یعنی در مقابل نظریه های جامعه شناسی های غربی در فرهنگ شناسی و مردم شناسی نظریه های فرهنگ شناسی و مردم شناسی متناسب با انقلاب را تولید نکردیم. لذا در تصمیم گیری ما قانون گذاری، برخورد ما با مردم خودمان نمود پیدا می کند» (پیروزمند) و یا در کلام نخبه ای دیگر این چنین مطرح شده که «به این خاطر است که معتقدند جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی زمانی درست شکل می گیرد که در این متغیرها وحدت حکمرانی بوجود بیاید. یعنی وحدت نظری وجود داشته باشد. والا شما بروید پیش صد نفر صد تا نظر بدهید. این تشدد معنایش این است با این تشدد نمی شود جبهه تشکیل داد. ولی وقتی همه قبول کردند که تمدن نوین اسلامی از سنجه هایش شروع می شود» (عباسی) و به بیان دیگر «منتهی نکته لازم به توضیح که شاید یک مقدار مبهم در بحث فعالیت های فرهنگی که وارد می شویم این است که وقتی ما وارد میدان عرصه فعالیت های فرهنگی می شویم باید بدانیم که مقولات فرهنگی یک مقولات پیچیده و تودرتویی هستند و ما به میزانی که این پیچیدگی را فهم کنیم می توانیم

فعالیت اثربخش تری داشته باشیم. یعنی نباید خودمان را زود قانع کنیم. نباید عادت کنیم که زود نسخه کار را بیچیم و استاد کار تصور کنیم و وقتی اتفاق می افتد که بدانیم یک لایه‌های تودرتویی دارد مسئله فرهنگ. من حالا در آثارم هست که اینجا هم به مناسبتی وقت بشود و سوالات شما اقتضاء کند عرض خواهم کرد که به همین مناسبت فهم کردن این مسئله و لایه مندی و تودرتویی خاصیتش این می شود که اگر من در سطح خورد هم فعالیت کنم سطح و حد و سقف تاثیر خودم را می شناسم. می گویم من بنا نیست که شق القمر کنم. این سطح من و سطح این نوع فعالیتی که من می کنم اینقدر است و همینقدر هم باید خوشحال باشم و وظیفه خودم را انجام یافته بینم. اینطوری اگر نکنم ناراضی از خودم و دیگران می شوم و همیشه احساس می کنم که دارم دور خودمان می چرخیم و بلکه بدتر هم می شود. من می گویم که وقتی سطح بندی شد و نقش آفرینان هم به همین ترتیب متعدد شدند می گویم که قرار نیست نقش صدا و سیما را من ایفا بکنم. صدا و سیما هم هست حالا مثلاً مثبت و منفی دارد کار خودش را می کند. من اگر آدمی هستم که می توانم بروم در رسانه تاثیر بگذارم و مسئولیت خودم را این تعریف می کنم که در رسانه تاثیر بگذارم و بروم این کار را بکنم. اگر بینم حالا نه من آدمش نیستم و حالا میدانم برای من فراهم نیست و به هر دلیلی خوب دیگر آن کاری که از رسانه اتفاق بیفتد از خودم انتظار نداشته باشم. بنابراین عرض می کنم که این را بفهمیم این فهمیدن باعث می شود که نقش خودم را بشناسم و مسئولیت خودم را بشناسم و سطح انتظارات خودم را بشناسم. این اولاً و ثانیاً اثر بعدش این می شود که در آن مجموعه که شما اسمش را می گذارید مجاهدان فرهنگی همشان آنجا که سال ۹۴ هستند تا ۱۰ الی ۲۰ سال دیگر قرار نیست همینطور درجا بزنند در موقعیتی که هستند. درصدی که می مانند این درصد رشد می کنند. مسیر رشدشان هم می فهمند درست یعنی کلاس بعدی فرهنگی را می شناسد. این ناشی از آن است که فکر می کند تا ته خط رفته و می گوید حالا بقیه دنبال من بیایند. ولی اگر فهمید که این لایه مند است و این تودرتو هست و هم موضوع و هم محتوا و نقش آفرینان این لایه مند است. بنده کلاس

کارم را می‌خواهم بالاتر ببرم وقتی آن بصیرت باشد که حالا شما روی بحث مدل بدستی به همین دلیل توجه دادید و به همین دلیل اهمیت پیدا می‌کند و یکی از کاربری‌های مدل‌مندی بودن نگاه کردن فرهنگی همین است این باعث می‌شود که من اگر که کلاس اول کار کنم کلاس کار خودم را می‌شناسم علاقه‌مندم کلاسیک خودم را رشد بدهم می‌دانم که کلاس دومش چیست و سومش چیه. و تلاش می‌کنم ارتقاء بدهم و این مجموعه وقتی اتفاق می‌افته که ما موضوع فرهنگ و فعالیت فرهنگی را بشناسیم و بهتر بشناسیم و کامل‌تر بشناسیم و هیچ وقت فکر نکنیم که به تهش رسیدیم.»

(پروزمند) و نبود یک نظریه پشتیبان که بتواند تجربیات و اندوخته جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی را پشتیبانی تئوری و نظری نماید و در نهایت بتواند فهم مشترک را در میان فعالین فرهنگی ایجاد نماید «فعالان فرهنگ در کشور ما متأسفانه فهم مشترکی ندارند، طبعاً نقشه مشترکی نیز ندارند و حالا هر کس متناسب با فهم خودش فعالیت دارد، اما این فعالیتها هم بخاطر فهم متفاوت و نقشه راه متفاوت، متفاوت و گاهی حتی خنثی کننده تلاش‌های دیگران. آن چیزهایی که کم هست یا نقاط ضعف جبهه فرهنگی چند مورد در راس آنها نداشتن نیروهای منسجم و هم فکر که با یک هدف مشترک و در یک برنامه ریزی مشترک یک هم افزایی معقولی داشته باشند و بتوانند کار فرهنگ را به جلو ببرند.» (حاج الوالقاسمی) این نظریه می‌تواند برای آموزش تخصصی افرادی که می‌خواهند وارد این عرصه شوند به کار بسته شود «یک مشکل اساسی ما این است که کسانی که دغدغه کار فرهنگی دارند، چه در حوزه‌ها، چه در دانشگاه‌ها مراکز دیگر اطلاعات تخصصی و معرفت تخصصی نسبت به روانشناسی انسان باطن انسان، ساختار انسان و ربط ریاضی این با معارف الهی ندارند. این آفت بزرگ است که کار تخصصی جلو نمی‌رود. نیروها نمی‌آیند بروند آموزش ببینند فقط دلسوز هستند دوست دارند یک کاری بکنند. اما به هیچ وجه آشنایی ندارند» (شجاعی) و در بیان نخبه بحث ضرورت این آموزش‌ها و تخصص‌هاست «خودشون هم در خیلی از موضوعات آموزش ندیدن یعنی جبهه فرهنگی انقلاب خیلی از اوقات با ظرافت طبع، کار فرهنگی

میکنه برای اون کاری که انجام میده آموزش ندیده در حالیکه آموزش ضروریه توهمه حوزه‌ها هم در حوزه شخصیش هم در حوزه ای که میخواد کار بکنه» (یامین پور) با وجود نظریه پشتیبان می‌توان محتوای نظری و تئوری برای آموزش و انتقال تخصص به فعالین این عرصه را انجام داد.

در مجموع آن آسیبی که در سطحی بالاتر و با اهمیت نسبت به آسیب‌های خرد جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی مطرح گردید، نبود فهم مشترک از فرهنگ و نبود نظریه پشتیبان از فرهنگ است. «در بحث فرهنگ شناسی وقتی ما به صورت تخصصی راجع به فرهنگ می‌خواهیم حرف بزنیم و بحث کنیم و نظریه فرهنگی بدهیم لنگ می‌زنیم. یعنی در مقابل نظریه‌های جامعه شناسی‌های غربی در فرهنگ شناسی و مردم شناسی نظریه‌های فرهنگ شناسی و مردم شناسی متناسب با انقلاب را تولید نکردیم. لذا در تصمیم گیری ما قانون گذاری، برخورد ما با مردم خودمان نمود پیدا می‌کند.» (پیرومند) که در کلام سایر نخبگان وجود دارد «حالا آن جبهه فرهنگی مشکلش چیست در جبهه سازی؟ می‌گوید من همان سنجه‌ها را می‌گیرم باهاش جمهوری اسلامی درست می‌کنم و تمدن سازی. تا گفتیم ابتدای راهنمایی دبیرستان تا گفتیم لیسانس فوق لیسانس و دکتری تا گفتیم سرهنگ و سرتیپ و فلان تا گفتیم قوای سه گانه موتسکیو تا گفتیم در سیاست خارجی منافع ملی تا ما مبنایمان این حرفهاست، تا سنجه هایمان را عوض نکنیم و قرآنی و روحی نکنیم، ما امکان تحقق تمدن نوین اسلامی نداریم.» (عباسی) همان درک و فهم مشترکی که البته برای رسیدن بدان نیز باید برنامه‌ای مدون طرح ریزی نمود تا بتواند نیروی فرهنگی را هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ عملی به آن درجه از فهم قابل قبول و قدر مشترک میان سایر نیروهای فرهنگی برساند. در بیانات نخبگان مورد مصاحبه نیز مسئله نظریه پردازی بسیار حائز اهمیت است و بدون آن نمی‌توان اقدام به جامعه سازی و مدیریت جامعه پرداخت. و این نظریه پردازی نیز همراه با بررسی و نقد توأمان باید همراه باشد تا بتواند دانما با رصد و

ارزیابی‌ها در صدد رفع مشکلات و از بین بردن نواقص برآید. «همین کانون بسیج رو بخواهیم آسیب شناسی بکنیم پایگاه‌های بسیج برای جنگ سخت کاملاً سازماندهی شده هست برای جنگ امنیتی کاملاً سازماندهی شده هست ولی برای جنگ فرهنگی به هیچ وجه سازماندهی نداره نمی‌دونه اصلاً آسیب فرهنگی چیه؟ متخصص آسیب فرهنگی نیستن که بخوان آسیب رو شناسایی بکنن یا اینکه نمیدونن بعد از اینکه آسیب رو شناسایی کردن به کجا منتقل بکنن بعد کجا این آنالیز بشه تحلیل بشه راهکاراش در بیاد، بره تبدیل بشه به محصول یا بره تبدیل بشه به اون سلاح باز دارنده برگرده بیاد، اما این فرایند وجود نداره.» (صالحی) البته به این نکته باید اشاره نمود که متأسفانه بعد از گذشت چهل سال از عمر با برکت نظام جمهوری اسلامی هنوز موفق به ارائه نظریات جامعه شناسی برآمده از معارف عمیق اسلامی جامعه اسلامی نشده‌ایم و این مسأله خود را در منفعل و در مقام بالاتر از دور خارج کردن افراد با دغدغه که وارد ساختارهای حکومتی شده‌اند، نشان می‌دهد «آن جوان‌هایی که آقا بهشان امید بستند بیرون این ساحت رسمی دارند این کار را انجام می‌دهند اما همیشه من یک آسیب شناسی که کردم یک نگرانی داشتم. اینها وقتی می‌آیند وارد جریان اداری رسمی می‌شوند حل می‌شود. وقتی می‌آیند وارد جریان رسمی شغل و به اصطلاح مسئولیت می‌شوند هضم می‌شوند. وقتی می‌آیند وارد جریان رسمی علم می‌شوند و مدرک می‌گیرند از این دانشگاه، هضم حل می‌شوند. به قول یکی از دوستان بزرگواری که می‌فرمود اول انقلاب بعضی از این آدم‌ها را فرستادیم رفتند خارج درس بخوانند رفتند شکار آن علم شدند. مثل آن کسی که رفت شکار خرس، خرس گرفت خوردش. حالا خیلی از این نیروهای انقلابی می‌روند که به جنگ این قضایا در بیایند و می‌روند توسط این خورده می‌شوند. چرا خورده می‌شوند؟» (عباسی) همان مشکلی که ایشان در جای دیگر از خلع نظریه پردازی نام می‌برند. ما در در مجامع علمی خود به واقع نتوانسته‌ایم نظریات برآمده از جامعه ایرانی اسلامی خود را عرضه کنیم و به گفته ایشان دنبال رو علوم بیگانه شده ایم و با اینکار فرهنگ و فضای موجود در آن علوم را وارد عرضه اجتماعی خود نموده‌ایم.

«گفتیم این هزار مورد را می‌گذاریم کنار. چون این‌ها هر کدام آمده بافت فرهنگی خودش را هم آورده است. این را گذاشتیم کنار رفتیم به سمت اینکه به اصطلاح سنجه‌های خودمان را ایجاد کند رسیدیم به جهاد.» (عباسی) چراکه این علوم برآمده از آن جامعه مدرن و درصدد حل مسائل آن جامعه تولید گشته‌اند و هدف غایی آنان حل مسائل آن جوامع بوده است. از منظر دیگر ما با پرداختن به آن علوم در واقع بطور ناخودآگاه مسائل نامربوط به خود را مورد بررسی قرار داده‌ایم و در واقع مسائلی که برای خودمان نبوده را برای خود مسئله پنداشته‌ایم.

در میان نظرات نخبگان در مورد آسیب شناسی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی آسیب‌هایی وجود دارد که در رده کلان قرار می‌گیرد. برخی از این آسیب‌ها بدین گونه مطرح گشته که «در درون ساختار فرهنگی کشور حداقل چیزی که وجود دارد یک دوگانگی ساختاری وجود دارد. به این معنا که یک ساختارهای فرهنگی دارید شما زیرمجموعه مجریه، زیرمجموعه رهبری. هر دو قدرت مند هستند وقت‌هایی که هماهنگ‌تر شدند وضعیت فرهنگی کشور بهتر شده و وقت‌هایی که فاصله گرفتند و زاویه گرفتند وضعیت عمومی فرهنگی کشور اسف‌بارتر شده است. ما فرهنگ ملی را با فرهنگ دینی در ادبیات فرهنگ شناسی جدا کردیم. بعد این در ساختارها خودش را نشان داده. آمدیم گفتیم یک ساختارهایی می‌گذاریم برای فرهنگ دینی مردم، آخوندها شما منبر بروید و ساختار مناسب‌های مذهبی را اداره کنید. هنرمندها شما هم بیایید اوقات فراغت غیر مذهبی، مردم می‌خواهند نوروز و غیر نوروز را شاد باشند شما این را پوشش بدهید.» (پیروزمند) و یا در جایی دیگر به این آسیب مهم اینگونه می‌پردازد که «این به دست خودمان یک دوگانگی فرهنگی ایجاد کردیم. دوگانگی که ریشه در دانش دارد و نمودش در ساختار و نمود بعدیش در رفتار است و در اقدامات فرهنگی است.» (پیروزمند) و این بیان در نظرات سایر نخبگان نیز موجود است و با بیانات متفاوت به این آسیب اشاره داشته‌اند «جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی زمانی شکل می‌گیرد درست

که در این متغیرها وحدت حکمرانی بوجود بیاید.» (عباسی) و یا این نظر که «هیچ کس نیست تو جامعه و تو فرهنگ مداخله نکنه» (بنیانیان) نخبه دیگر این آسیب را اینگونه مطرح می‌نماید که «یک بخشی از فرهنگ ما و سازو کار مدیریتی ما دست سازمان‌های دولتی هست. به نظر من کاملاً ایراد داره اصلاً ورود دولتی به فرهنگ ایراد داره» (صالحی) و در نظر نخبه دیگر این دوگانگی اینگونه مطرح می‌گردد که «فعالان فرهنگی ما در معنای وسیع کلمه بسیار متنوع و متکثرند، از نهادهای حاکمیتی مثل وزارت فرهنگ و سازمان فرهنگ و ارتباطات گرفته تا سازمان تبلیغات اسلامی یا سازمان اوقاف و امور خیریه و از طرفی صدا و سیما و حتی می‌رسیم به حوزه‌های علمیه و معلمان و تمامی کسانی که در راستای نهادینه کردن یک رفتار یا راسخ کردن یک اعتقاد و باور در جامعه نقش ایفا می‌کنند. آن تفاهم و فهم مشترکی که اینها باید داشته باشند، متأسفانه وجود ندارد. افق‌هایی رو که این فعالان فرهنگی می‌بینند با هم هماهنگ نیست» (حاج ابوالقاسمی) و نخبه دیگر، دوگانه را میان حاکمیت و مجموعه‌های مردمی می‌داند «جبهه فرهنگی انقلاب یه کار فوق العاده کرده اگر تصور میکنی مثلاً... اگر اینکارو نمیکرد کثیر چه مجموعه موازی میتونست باشه که...؟ نظام، دولت جبهه فرهنگی انقلاب یه مجموعه خودجوشه حقوق بگیر نیست عضو ساختار رسمیه خدمات نیست... دولت رو ذله کردند اینا سه ساله کی هستن اینا چی دارن؟ پول دارن؟ قدرت سیاسی دارن؟ حزب دارن؟ نه هیچی ندارن فقط زبان دارند شبکه‌های اجتماعی دوتا سایت و دوتا روزنامه با تیترو رئیس جمهور رو به واکنش وا میدارند بچه‌ها جبهه فرهنگی اومدن اینجا نمایشگاه زدن همین پشت چهارتا کاریکاتور آویزون کردن به دیوار، سازمان ملل متحد موضع گرفت وزیر امور خارجه آمریکا موضع گرفت قدرته دیگه شما قدرت رو تولید کردید قبلاً این قدرت رو نداشتیم» (یامین پور) لذا از مجموعه این بیانات می‌توان این آسیب مهم را در مضمون دوگانگی ساختاری خلاصه نمود که این با توجه به اهمیت و اولویت آن در دسته آسیب کلان قرار می‌گیرد که بایستی متولیان امر برای این آسیب مهم، فکری عاجل نمایند تا این دوگانگی حاکمیت و مردم سبب هدر

رفت سرمایه‌ها و کاهش اثرات فعالیت‌های فرهنگی مجموعه‌های مختلف نگردد و این گونه نباشد که مجموعه‌های مردمی و فرهنگی راه خود را بروند و مجموعه‌های حاکمیتی هم مسیر خود را طی نمایند و در برخی از موارد به جای هم‌افزایی، کاهنده اثرات و نقش‌آفرینی‌های فرهنگی همدیگر باشند.

در بخش آخر آسیب‌شناسی از منظر نخبگان، آسیب‌هایی از نخبگان مطرح گشته که محوریت دارند به نحوی که تا این آسیب رفع نگردد، حل مشکلات و آسیب‌های مجموعه‌های فرهنگی دیگر توهمی بیش نخواهد بود و شاید بتواند در کوتاه مدت کاری از پیش ببرد ولی در بلند مدت می‌تواند جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی را دچار تبعات ناشی از خودگرداند و باعث هدر رفت سرمایه‌های این جبهه گردد. در کلان نخبگان به آسیب‌های نظیر این کلان می‌رسیم که «شاید برخی از مجاهدان فرهنگی ما بیش از آنکه معرفت‌های عمیق و یا یک مقدار عمیق اسلامی آنها را وارد صحنه جهاد کند عمدتاً حس ایمان عاطفی و درونی راه را وارد مسیر می‌کنند. من می‌خواهم بینم عمق معرفت اسلامی که در مجاهد وجود دارد که یک خصوصیت فردی هم هست این علاوه بر آن بعد اخلاقی این چقدر می‌تواند اثر داشته باشد. یعنی در حوزه توحید علاوه بر اینکه یک کار تهذیبی می‌کند هم در خلوتش و هم در جهادش علاوه بر این آن عمقی از تحویل توحیدی که در ذهنش ممکن است وجود داشته باشد و یا معرفتی که نسبت به مقام و جایگاه امام می‌تواند داشته باشد، و یا معرفتی که نسبت به معارف اجتماعی اسلام می‌تواند داشته باشد این معرفت در جهاد او چقدر می‌تواند اثرگذار باشد.» (پیروزمند) و یا در محلی دیگر بیان می‌کنند «این باز یک اصل مسلمی است که از اساتیدمان یاد گرفتیم و در عمل هم تجربه کردیم و آن اینکه عمل مترتب بر بصیرت است. میزانی که انسان به فهمش از موضوع و کاری که باید انجام بدهد بیشتر است طبعاً هدفمندتر عمل می‌کند و انگیزه‌اش برای عمل بیشتر می‌شود و تاثیرش در عمل ارتقاء پیدا می‌کند.» (پیروزمند) و در بیانات نخبه دیگر اینگونه آمده که «مسئله بعدی

هوای نفس است که در وجود خود ما آدم‌ها.» (بنیانیان) که به عبارت دیگر این تربیت نیروی فرهنگی رخ نداده است «ما برای حوزه‌ی فرهنگ متخصص تربیت نکردیم اینو قبول کنید برای فرهنگ انقلاب آدم نداریم و آدم تولید نکردیم» (صالحی) که در جایی دیگر به این آسیب اینگونه اشاره دارند که «من در کل الان نگران منابع انسانی هستم و معتقدم مهم‌ترین نقطه‌ای که ما الان داریم توش آسیب می‌بینیم تربیت منابع انسانی متخصص است» (صالحی) نبود سازوکاری برای تربیت نیروهای مومن فرهنگی از مهمترین و محوری‌ترین آسیب جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است. «عمده‌ای مشکلی که تو جبهه فرهنگی انقلاب داریم کم عمقی در دین‌شناسی هست» (یکتا) و در بیان نخبه دیگر «یک مشکل اساسی ما این است که کسانی که دغدغه کار فرهنگی دارند، چه در حوزه‌ها، چه در دانشگاه‌ها مراکز دیگر اطلاعات تخصصی و معرفت تخصصی نسبت به روانشناسی انسان باطن انسان، ساختار انسان و ربط ریاضی این با معارف الهی ندارند... این آفت بزرگ است که کار تخصصی جلو نمی‌رود. نیروها نمی‌آیند بروند آموزش ببینند فقط دلسوز هستند دوست دارند یک کاری بکنند.» (شجاعی) از منظر نخبه دیگر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی جهت پیشبرد اهداف انقلاب باید این معارف را از دل و جان تعلیم ببینند. «مثلاً شما خیلی عجیب است بعد از اینکه کتاب سرالصلوات را می‌نویسند بعد می‌آیند کتاب آداب الصلوات را می‌نویسند در ابتدایش می‌گویند چون آن مشکل بود برای عوام من کتاب آداب الصلوات را نوشتم. خب ببینید یعنی چه؟ یعنی ما اگر می‌خواهیم یک انقلاب قدسی را ادامه بدهیم، باید معارف مناسب این حضور را به صحنه بیاوریم. خب ما حواسمان نبود» (طاهرزاده) و نخبه دیگر با اذعان به این مهم نظام تربیتی کشور را مقصر می‌داند «بله در تربیت مشکل دارید یعنی نظام تربیتیتون درست عمل نکرده» (یامین پور).

در نگاه ایشان آسیب محوری عدم وجود سازوکاری برای تربیت افراد متخصص در زمینه فعالیت و نقش‌آفرینی فرهنگی است. در سازمانها و نهادهای پس از انقلاب

متأسفانه نهادی که وظیفه اصلی و رسالت خود را تربیت نیروی مومن فرهنگی کرده باشد اساساً بوجود نیامده است. البته در این میان هستند نهادهایی که گاهی در میان خروجی‌های آنها افراد متخصص و اهل فن و مومن فرهنگی به چشم می‌خورد لکن اینکار در حاشیه و در همراهی با هدف اصلی که تربیت نیرو برای هدف دیگری بوده، بوجود آمده و اینگونه نبوده است که آن نهاد هدف و رسالت اولی و اصلی خود را تربیت آن نیروی مومن فرهنگی کرده باشد. بنابراین یک نهاد که رسالت اصلی آن تربیت مومن فرهنگی به معنای واقعی کلمه باشد از اولیات موفقیت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است.

جمع بندی

در نهایت با جمع بندی و انجام مراحل نهایی فرآیند تحلیل مضمون در موضوع آسیب شناسی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به این جدول می‌رسیم:

کد فراگیر مضمون اصلی	کد تفسیری مضمون فرعی	جملات کلیدی
کار تشکیلاتی منسجم	کار جمعی	<ul style="list-style-type: none"> - در مورد آسیب‌ها اینکه، این نوع مجموعه‌ها کمتر بلد هستند کار جمعی بکنند. - آن بچه‌ها یک مشکل اصلی دارند در این که تشکیل قرارگاه و جبهه داده نمی‌شود. - یعنی جبهه زمانی است که کار از حالت فردی خارج می‌شود در حالت تیمی قرار می‌گیرد. در حالت ساخت یافته، تقسیم کار می‌شود.
	فعالیت تشکیلاتی	<ul style="list-style-type: none"> - خوب به وقت می‌بینیم کار شما به کار جبهه هست اما ما کار جبهه در حوزه فرهنگ نکردیم. - ما در جنگ سخت لشکر داشتیم، گردان داشتیم، تیپ و دسته داشتیم؛ تخریب چی و تک تیر انداز داشتیم، همه اینها فرمانده‌ای داشت ولی آیا در جنگ نرم که فرمانده کل قوای جنگ نرم حضرت آقا هستن،

<p>آیا الان موسسه و یا کانونی که داره تو سیستان بلوچستان کار می‌کنه یا اونیه که تو خراسان داره کار می‌کنه یا اونیه که تو سندج داره کار می‌کنه، این تو این گردان‌ها و لشکرها سازماندهی شده.</p>		
<p>- آسیب بعدی خلأ مدیریت ستادی به اضافه خلأ اطلاعات به اضافه خلأ ارزیابی است که مشکلات زیادی را به بار آورده است.</p>	<p>مدیریت ستاد و صف</p>	
<p>- فعالان فرهنگی ما در معنای وسیع کلمه بسیار متنوع و متکثرند. - فعالان فرهنگ در کشور ما متاسفانه فهم مشترکی ندارند، طبعاً نقشه مشترکی نیز ندارند.</p>	<p>کار منسجم و نظام‌مند</p>	
<p>- فعالان فرهنگ در کشور ما متاسفانه فهم مشترکی ندارند، طبعاً نقشه مشترکی نیز ندارند.</p>	<p>نقشه راه</p>	
<p>- هدر رفت بودجه‌های مربوط به بخش فرهنگ و عدم تخصیص بودجه بخش فرهنگ از دیگر آسیب‌هاست.</p>	<p>هدر رفت ظرفیت‌ها</p>	
<p>- نگاه‌های جهانی ما مقداری ضعیف است باید قوی تر از وضع موجود باشد ما متعلق به خودمان نیستیم، یک انقلاب اسلامی در دنیا وجود دارد.</p>	<p>دید فراگیر</p>	
<p>- ما در زمین خودمان در زمین دیگران با قواعد خودمان عمل نمی‌کنیم. در زمین خودمان و زمین دیگران داریم به قواعد دشمن عمل می‌کنیم. خب این کجایش اسم این جبهه ی فرهنگی انقلاب است.</p>	<p>ایجاد قواعد و ساختار</p>	
<p>- یک بخش مهمی از فعالیت‌های فرهنگی را باید مردمی نمود و در آن مردم پیشبرنده باشند.</p>	<p>مدیریت مردمی</p>	
<p>- در بحث فرهنگ شناسی وقتی ما به صورت تخصصی راجع به فرهنگ ورود می‌کنیم، نظریه فرهنگی متناسب با خودمان را نداریم.</p>	<p>نظریه فرهنگی</p>	<p>نظریه پیشین فرهنگی</p>

<p>- وقتی ما وارد میدان عرصه فعالیت‌های فرهنگی می‌شویم باید بدانیم که مقولات فرهنگی یک مقولات پیچیده و تودرتویی هستند و ما به میزانی که این پیچیدگی را فهم کنیم، می‌توانیم فعالیت اثربخش‌تری داشته باشیم.</p>	<p>مقولات پیچیده و لایه‌مند</p>	
<p>- آسیب مهم دیگر بحران نظریه پردازی است. نظریه پردازی درست و اصولی که بتواند اقدامات جبهه را تثوریزه نماید.</p>	<p>تئوری پردازی</p>	
<p>- عمق معرفت اسلامی که در مجاهد وجود دارد که یک خصوصیت فردی هم هست این علاوه بر آن بعد اخلاقی، چقدر می‌تواند اثرگذار باشد.</p>	<p>سطحی نگری فرهنگی</p>	
<p>- همین کانون بسیج رو بخواهیم آسیب شناسی بکنیم پایگاه‌های بسیج برای جنگ سخت کاملا سازماندهی شده هست برای جنگ امنیتی کاملا سازماندهی شده هست ولی برای جنگ فرهنگی به هیچ وجه سازماندهی نداره نمی‌دونه اصلا آسیب فرهنگی چیه؟ متخصص آسیب فرهنگی نیستن که بخوان آسیب رو شناسای بکنن یا اینکه نمیدونن بعد از اینکه آسیب رو شناسایی کردن به کجا منتقل بکنن بعد کجا این آنالیز بشه تحلیل بشه راهکاراش در بیاد، بره تبدیل بشه به محصول یا بره تبدیل بشه به اون سلاح باز دارنده برگرده بیاد اما این فرایند وجود نداره.</p> <p>- یک عملیات بلافاصله پیروزی یا شکست انجام میشه یک گروهی میرن دلائل پیروزی و شکست رو ارزیابی می‌کنند و نگه می‌دارند که برای فعالیت‌های بعدی استفاده کنند و یا بهره ببرند. ما تو فعالیت‌های فرهنگی هنوز به این درجه ظرفیت و توانمندی نرسیدیم.</p>	<p>رفت و برگشت علم و عمل</p>	
<p>- حالا آن جبهه فرهنگی مشککش چیست در جبهه سازی؟ می‌گوید من همان سنجها را می‌گیرم باهش</p>	<p>تولید علم</p>	

<p>جمهوری اسلامی درست می‌کنم و تمدن سازی. تا گفتیم ابتدای راهنمایی دبیرستان تا گفتیم لیسانس فوق لیسانس و دکتری تا گفتیم سرهنگ و سرتیپ و فلان تا گفتیم قوای سه گانه مونتسکیو تا گفتیم در سیاست خارجی منافع ملی تا ما مبنایمان این حرف‌هاست، تا سنجه‌هایمان را عوض نکنیم و قرآنی و روحی نکنیم، ما امکان تحقق تمدن نوین اسلامی نداریم.</p>		
<p>- یک ساختارهای فرهنگی زیرمجموعه مجریه، و دسته دیگر زیرمجموعه رهبری است.</p>	<p>دوگانگی مدیریتی</p>	
<p>- این به دست خودمان یک دوگانگی فرهنگی ایجاد کردیم. دوگانگی که ریشه در دانش دارد و نمودش در ساختار و نمود بعدیش در رفتار است و در اقدامات فرهنگی است.</p>	<p>دوگانگی در اقدامات</p>	
<p>- به این خاطر است که معتقدند جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی زمانی شکل می‌گیرد درست، که در این متغیرها وحدت حکمرانی بوجود بیاید.</p>	<p>وحدت حکمرانی</p>	
<p>- یک بخشی از فرهنگ ما و سازو کار مدیریتی ما دست سازمان‌های دولتی هست، به نظر من کاملاً ایراد داره.</p>	<p>نفی دوگانگی</p>	
<p>- هیچ کس نیست تو جامعه و تو فرهنگ مداخله نکنه.</p>	<p>مدیریت پراکنده و متشتت</p>	
<p>- فعالان فرهنگی ما در معنای وسیع کلمه بسیار متنوع و متکثرند، از نهادهای حاکمیتی مثل وزارت فرهنگ و سازمان فرهنگ و ارتباطات گرفته تا سازمان تبلیغات اسلامی یا سازمان اوقاف و امور خیریه و از طرفی صدا و سیما و حتی می‌رسیم به حوزه‌های علمیه و معلمان و تمامی کسانی که در راستای نهادینه کردن یک رفتار یا راسخ کردن یک اعتقاد و باور در جامعه نقش ایفا می‌کنند. آن تفاهم و فهم مشترکی که اینها باید داشته باشند، متاسفانه</p>	<p>تکثر مدیران فرهنگی</p>	<p>دوگانگی ساختاری</p>

		وجود ندارد. افق‌هایی رو که این فعالان فرهنگی می‌بینند با هم هماهنگ نیست.
نهاد تربیت مومن فرهنگی	تربیت نیروی فرهنگی	- ما برای حوزه فرهنگ متخصص تربیت نکرده‌ایم این را باید قبول کنیم که برای فرهنگ انقلاب آدم نداریم و آدم تولید نکرده‌ایم. - من در کل الان نگران منابع انسانی هستم و معتقدم مهم ترین نقطه ای که ما الان داریم توش آسیب می‌بینیم تربیت منابع انسانی متخصص است.
	تزریق معرفت اسلامی	- شاید برخی از مجاهدان فرهنگی ما بیش از آنکه معرفت‌های عمیق و یا یک مقدار عمیق اسلامی آنها را وارد صحنه جهاد کند عمدتاً حس ایمان عاطفی و درونی راه دارند را آنها وارد مسیر می‌کنند.
	معارف سطحی	- الان عمده ضربه ای که داریم می‌خوریم بدلیل دین و ایمان‌های سطحی است.
	تربیت عمیق دینی	- عمده مشکلی که در جبهه فرهنگی انقلاب داریم کم عمقی در دین شناسی است.
	نظام تربیتی	- بله در تربیت مشکل دارید یعنی نظام تربیتیون درست عمل نکرده.
	آموزش و پرورش نیرو	- نیروها نمی‌آیند بروند آموزش ببینند فقط دلسوز هستند دوست دارند یک کاری بکنند.
	تربیت نیروی بصیر	- عمل مترتب بر بصیرت است. میزانی که انسان به فهمش از موضوع و کاری که باید انجام بدهد بیشتر است طبعاً هدفمندتر عمل می‌کند و انگیزه اش برای عمل بیشتر می‌شود و تاثیرش در عمل ارتقاء پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری

در آخر با توجه به مضامین استخراج شده از نظرات نخبگان که طی چندین مرحله بازنگری و ایجاد مجموعه و دسته بندی رخ داد می‌توان آسیب‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی را در سه دسته و مقوله تنظیم نمود مقوله اول که از آسیب‌های با وزن کمتر بدست می‌آید می‌توان مفهوم عدم وجود کار تشکیلاتی منسجم را استخراج نمود که بتواند شمولیت لازم جهت در برگرفتن همه آسیب‌های خرد دسته بندی شده را داشته باشد و بیانگر مضمون همه بیان نخبگان در این دسته باشد.

در دسته بندی آسیب‌هایی بودند که از وزن و ارزش بالاتری برخوردار بودند و در کلام همه نخبگان با تاکید و تکرار زیادتری همراه بودند و همچنین خود نخبگان به اولویت داشتن آن آسیب تاکید داشتند که در این بخش دو مفهوم عدم وجود نظریه پشتیبان و همچنین دوگانگی ساختاری است که در مقوله آسیب کلان جای می‌گیرند و این دو دسته آسیب‌هایی هستند که از فوق العادگی بالاتری نسبت به آسیب‌های خرد برخوردارند و به عبارت دیگر اینها رتبه بالاتر و پسینی نسبت به آسیب‌های خرد دارند لذا در مقوله آسیب کلان قرار می‌گیرند.

در نهایت همانطور که در صفحات قبلی بدان اشاره شد در بیانات نخبگان با مضامینی مواجه می‌شویم که نسبت به سایر مضامین اولیت دارند بطوری که در ابتدای امر و در شروع کار بایستی برای آن چاره‌ای اندیشید و سعی در برطرف کردن آن آسیب داشت که بنظر نگارنده تا زمانیکه این دسته از آسیب‌ها مرتفع نگردند و چاره‌ای برای آن اندیشیده نگردد وضع فرهنگی و بحران فرهنگی به حالت معمولی برنخواهد گشت و آن مفهوم عدم وجود نهاد تربیت مومن فرهنگی است. این مفهوم نیز از مضامین پرتکرار نخبگان بود و همگی ایشان همانطور که در بحث‌های قبلی آمد با مضامین گوناگون آن را بیان داشتند که به نظر می‌رسد می‌توان آن مضامین را در

مفهوم عدم وجود نهاد تربیت مومن فرهنگی بیان نمود که در مقوله آسیب محوری قرار دارد چرا که تا این مسئله حل نگردد کار جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی سامان نخواهد یافت.



فهرست منابع

۱. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸) صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ج ۱۷.
۲. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸) صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ج ۲۱.
۳. جانسون، چالمرز (۱۳۶۳) تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱) جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ هفتم.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴) پیرامون انقلاب اسلامی، صدرا، چاپ بیست و چهارم.
۶. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۷) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، علم، چاپ اول.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی